

بررسی ابعاد کولبری زنان در گفت‌وگو با شهیندخت مولوردی:

مولوردی: زنان کولبرگزینه دیگری برای انتخاب شغل ندارند

تهران (پانا) - چهار سال پیش بود که دستیار ویژه رییس‌جمهور در امور حقوق شهروندی در نشست هم‌اندیشی زنان برگزیده کردستان به «زنانه‌شدن بخش غیررسمی اقتصادی به دلیل نیروی کار ارزان و استثماری که از زنان صورت می‌گیرد.» اشاره کرده و به مسوولان نسبت به تبعات ناگوار این مساله هشدار داده بود.

به ZWNJ گزارش اعتماد، توسعه و نیافتگی متوازن؛ یا در خوش و بینانه ZWNJ؛ ترین حالت، توسعه و نیافتگی نامتوازن؛ در برخی از استان ZWNJ؛ ها، از جمله استان کردستان و سیستان و بلوچستان با وجود شهیندخت مولوردی؛ حقوقدان، دستیار اسبق حقوق شهروندی رییس ZWNJ؛ جمهوری و معاون سابق امور زنان و خانواده رییس ZWNJ؛ جمهوری، یکی از مهم ZWNJ؛ ترین معضلاتی است که یکی از ناگوار و تلخ ZWNJ؛ ترین نتایج آن را می ZWNJ؛ توان در خبرهای متعدد مرگ یا مفقودی کولبران در خطه کردستان جست.

فعالیت زنانی ZWNJ؛ که به اجبار تن به کولبری می ZWNJ؛ دهند، نتیجه غفلت از توسعه پایدار کردستان است، زیرا به زعم مولوردی، زنان کولبر، از آن جهت کولبری می ZWNJ؛ کنند که چاره ZWNJ؛ ای دیگر ندارند، شغل پایدار و جایگزینی برای آنها تعریف نشده است و وضع معیشت چنان دشوار است که کولبری تنها گزینه ممکن بر سر راه مردان و زنان مرزنشین است. یکی از راهکارهایی که مولوردی در خلال صحبت ZWNJ؛ هایش برای تغییر چهره زمخت و نخراشیده اقتصاد در این مناطق دارد، توجه به بوم ZWNJ؛ گردی و گردشگری است، آن هم در شرایطی که زنان بتوانند نقش فعال و پررنگی در آن داشته باشند، زیرا اگر بوم ZWNJ؛ گردی رواج یابد، غذا، فرهنگ و لباس در بوم ZWNJ؛ گردی به نقش اقتصادی زنان وابسته است. مولوردی که پیش از این در مصاحبه ZWNJ؛ ای به نقل از رییس ZWNJ؛ جمهوری عنوان کرده بود؛ هرچا زنان آمدند، کار تمام شد؛ حالا در تاکید دوباره به این حرف می ZWNJ؛ گوید که توسعه ZWNJ؛ یافتن این خطه جز با حضور مستمر زنان ممکن نیست.

شما پیش از این به گسترش مشاغل غیررسمی در مناطق محروم کشور، خصوصا کردستان اشاره کرده بودید. چهار سال از گفته ZWNJ؛ های شما می ZWNJ؛ گذرد و حالا برای چندمین بار خبرهای تلخی از فوت و مفقود شدن کولبران در مرزهای کردستان به گوش می ZWNJ؛ رسد و علاوه ZWNJ؛ بر آن، زنان این منطقه نیز کولبری می ZWNJ؛ کنند. حضور زنان در چنین کار و پیشه دشواری را چگونه ارزیابی می ZWNJ؛ کنید و ریشه این معضل را در کدام مساله می ZWNJ؛ دانید؟

دلیل آن جز اجبار نیست. چنین شغلی که حتی از شغل؛ نامیدن آن ابا دارم قطعا نمی ZWNJ؛ تواند اختیار و انتخاب برای زنان و حتی مردان باشد. در شرایطی که از وضعیت استان، منطقه و خانواده ZWNJ؛ ها، به ZWNJ؛ ویژه از بعد معیشتی و اقتصادی آنها سراغ داریم، کولبری قابل مقایسه با شغل ZWNJ؛ های به اصطلاح مردانه و دشواری نیست که زنان از سر علاقه و انتخاب اختیار می ZWNJ؛ کنند. انتخاب کولبری مثل اختیار آن شغل ZWNJ؛ های دشواری مثلا در معدن نیست که شاید به ظاهر سخت باشند، اما برخی زنان بدون اجبار این شغل ZWNJ؛ ها را انتخاب می ZWNJ؛ کنند، زنان در اختیار این شغل ZWNJ؛ ها حق انتخاب دارند و اگر برای مثال سراغ کار در معدن می ZWNJ؛ روند از روی علاقه است نه اجبار.

این مرزی است که میان کولبری و دیگر کارهای دشوار برای زنان می ZWNJ؛ توان کشید. در کولبری، چه برای مردان و چه زنان دیگر گزینه دیگری مطرح نیست، اینطور نیست که زنان در قبال کولبری مخیر باشند. وقتی که گزینه بهتری برای ادامه زندگی و تامین معیشت خود ندارند و از سر جبر و اجبار به کولبری روی می ZWNJ؛ آورند. نکته اصلی در پاسخ به سوال شما نبود دیگر راه ZWNJ؛ های جایگزین برای تامین معیشت است.

این وضعیت را متاثر از چه عاملی می ZWNJ؛ دانید؟ چرا زنان مرزنشین استان کردستان، باوجود تمام توانمندی ZWNJ؛ ها و

ظرفیت‌های می‌توانستند داشته باشند، ظرفیت‌هایی که می‌توانست مستقیماً چرخ توسعه پایدار این استان را بچرخاند، حالا به قول شما از سر اجبار کولبری می‌کنند؟

این وضعیت چندان بی‌تاثیر از وضعیت کلی زنان در جامعه ما نیست. اما وضعیت زنان کردستان از بعد اشتغال به‌نوعی متفاوت‌تر از زنان استان‌های دیگر است. و علت آن توسعه‌نیافتگی متوازن یا توسعه نامتوازنی که در آن استان داریم. البته باید اضافه کنم که هر دو مورد این توسعه‌ها در این استان صحت دارند، یعنی ممکن است در بخش‌هایی از استان شاهد پروژه‌های عمرانی باشیم اما این پروژه‌ها متوازن نیستند، از طرفی دیگر، در بخش‌های دیگر همین استان شاهد توسعه‌نیافتگی هستیم. نتیجه این وضعیت را می‌توانیم در وضعیت زنان استان ببینیم. زندگی، اشتغال، فعالیت‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان از این وضعیت متأثر می‌شود. ببینید فرقی نمی‌کند که یک زن در این منطقه خود کولبری کند یا پسر و شوهرش به این کار اشتغال داشته باشد. این وضعیت در زندگی همه مردم تأثیر خود را نشان می‌دهد و تا جایی پیش می‌رود که کولبری گزینه‌ای صرفاً مردانه نباشد.

فکر می‌کنید این ظرفیتی که در کولبری صرف می‌شود، با کدام برنامه و راهبردی می‌توانست مستقیماً در جهت توسعه کردستان به کار گرفته شود. به‌طور کلی چقدر زنان کردستان می‌توانند در توسعه پایدار و مطلوب این استان موثر واقع شوند؟

اول اینکه باید ببینیم اصلاً برنامه‌ای برای توسعه کردستان وجود دارد یا خیر و اگر برنامه‌ای هست، آن را در دستور کار قرار داده‌اند یا نه. علاوه‌بر آن باید دید زنان در کجای هندسه توسعه این استان قرار دارند، آیا اصلاً زنان در توسعه این استان جانمایی شده‌اند یا خیر؟ معاونت امور زنان و خانواده دولت دوازدهم برنامه‌های توسعه زنان و خانواده هر استان را مختص آن و با توجه به شرایط بومی و متناسب با نیازها و اقتضائات و شرایط آن استان تنظیم و تدوین و رونمایی می‌کند. این سندها برنامه‌های مهمی هستند که باید دید چه برنامه‌هایی برای زنان کردستان دارند. اما هر برنامه یا راهکاری که برای کولبران کردستان تدوین و ارائه شود، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن ظرفیت زنان به موفقیت دست یابد. برای حل این معضل که در حال تبدیل شدن به فاجعه است، باید نگاه ویژه‌تری داشت، زنان چه به‌عنوان افرادی که خود کولبری کنند و چه به‌عنوان مادر، خواهر یا همسران مردان کولبر، مستقیم و غیرمستقیم با این مساله مواجه هستند و تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرند. بنابراین در تمام راهکارها یا پیشنهادهایی که به‌عنوان جایگزین این شغل ارائه می‌شود، مثل توسعه گردشگری، باید این واقعیت در نظر گرفته و جایگاه ویژه‌تری برای زنان در این برنامه‌ها لحاظ و تعیین شود.

این مرزی است که میان کولبری و دیگر کارهای دشوار برای زنان می‌توان کشید. در کولبری، چه برای مردان و چه زنان دیگر گزینه دیگری مطرح نیست، اینطور نیست که زنان در قبال کولبری مخیر باشند

توسعه گردشگری و بوم‌گردی در این استان را به‌عنوان جایگزینی برای کولبری مناسب می‌دانید؟

بالاخره باید گزینه‌هایی پیش روی آنها باشد تا کولبری را کنار بگذارند. کولبران فقط می‌توانند به اتکالی درآمد ثابت، نسبی و مستمر و پایداری یک شغل خاص از پرداختن به کولبری صرف‌نظر کنند. من از کولبری به‌عنوان یک شغل یاد نمی‌کنم چون تعریف و مولفه‌های یک شغل را ندارد، پرخطر است و عواقب ناگواری دارد، اما همین کسب معاش ناگوار وقتی کنار گذاشته می‌شود که شغل پایداری مثل کسب و کارهای گردشگری جایگزین آن شود.

شما به توسعه‌نیافتگی متوازن یا توسعه‌نیافتگی غیرمتوازن اشاره کردید، قیاس وضعیت استان کردستان و سیستان بلوچستان، خصوصاً از نظر حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی داده‌های متفاوتی را به‌دست می‌دهد، چهره زمخت و نخراشیده اقتصاد و سیاست در کردستان، در استان سیستان و بلوچستان روی نرم‌تری به‌خود گرفته است.

مشارکت سیاسی و مدیریت زنان فقط یک شاخص است و همه ابعاد توسعه را در بر نمی‌گیرد. توسعه ابعاد فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد و حتی در استان سیستان و بلوچستان هم می‌بینید که توسعه متوازن نیست.

چرا پس در استان سیستان و بلوچستان زنان با قوت بیشتری به عرصه مدیریت و سیاست پای گذاشته‌اند؟ این مساله از برنامه‌ای مدون ریشه می‌گیرد یا همان نتیجه جهت‌گیری‌های خاص مدیران است؟

این اتفاق حاصل نگرش و تفکر مدیران مرد است. بیشتر این مناصب هم به‌دست مردان اداره می‌شوند و از میان آنها، هستند افرادی که چند صباحی مدیریت کرده‌اند و راه را برای ورود زنان باز کرده‌اند، همین اتفاق هم منجر به تغییر نگاه‌ها و ذهنیت‌ها شده است. ورود زنان در این عرصه‌ها به مرور تعصب‌های خاصی را هم تعدیل می‌کند و این راه را مدیران بعدی هم ادامه می‌دهند، زیرا می‌بینند زنانی که در این عرصه‌ها وارد شده‌اند، خوش درخشیده‌اند. به همین دلیل هم توسعه پایدار کردستان به نقش‌آفرینی و مشارکت پایدار و موثر زنان وابسته است.